

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ (انبیاء: ۹۱)

مفهوم آیه و نشانه در این است که حضرت مریم (س) و جناب مسیح (ع)، فرزند او، آیه‌ای برای همه‌ی عالم هستند؛ نه محدود به گروهی خاص و نه صرفاً برای خودشان. نه فقط برای کسانی که در آن زمان حضور داشتند و با مشاهده‌ی این معجزه دریافتند که جناب مسیح (ع) رسول خداوند است، بلکه نشانه‌ای فراگیر برای همه‌ی جهان و همه‌ی زمان‌ها.

و این عبارت که قبل از آن آمده: «وَالَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا»، این دمیدن روح خداوند و این حالت خاصی که برای او هست، این قداستی که به او دمیده شده، معلول احصان و به معنای پاکدامنی است؛ پاکدامنی در شهوات، در امور نفسانی، در غرائز انسانی. و این است که این دمیدن روح منوط به آن احصان است. و این آیه بودنش شاید در اینجا منظور همین باشد. این قاعده‌ای کلی است برای همه‌ی جهانیان، در همه‌ی مراتب و در هر جایی: «دیو چو بیرون رود، فرشته درآید». بدون این پاکدامنی و بدون این تمیز کردن منزل، نمی‌شود مهمان دعوت کرد؛ مهمان نمی‌آید. این مهمانی منوط به تمیزی و پاکی است و این پاکی، چه برای کسی که از ابتدا پاک بوده و چه برای کسی که از ابتدا پاک نبوده اما از طریق مراقبه و توبه و تغییر و سلوک و حرکت، این پاکی را کسب می‌کند؛ که در بسیاری از موارد، کسی که بعدها پاکی را به دست می‌آورد، از کسی که از ابتدا پاک بوده، پاکی‌اش برتر و کامل‌تر است.

فرض کنید انسانی که منزلش از ابتدا برنامه‌ای برای تمیزی دارد و این تمیزی متداول و معمولی است؛ اما کسی که خانه‌ای نامرتب و آلوده دارد و بعد تصمیم می‌گیرد در یک لحظه آن را تمیز کند، این تمیزی، تمیزی کامل‌تری است؛ به دلیل این که در یک رتبه‌ای تصمیم می‌گیرد و از طریق این تصمیم، همه‌ی زوایا، همه‌ی خس و خاشاک ریز و کوچک و هرچه که در آن جا ممکن است باشد و هر آلودگی‌ای را یک‌باره تمیز می‌کند. خیلی وقت‌ها این آلودگی که در طول زمان حاصل شده و بعد از طریق پاکی و از طریق تمیزی - حتی در منزل ظاهری از حیث آلودگی‌های ظاهری - وقتی که تمیز می‌شود، این تمیزی فراتر و کامل‌تر است.

و برای ما هم شاید امکان نداشته باشد که همه‌چیزمان از ابتدا پاک باشد، آن‌گونه که برای اولیای الهی وجود دارد؛ بلکه بیشتر از طریق مراقبه و توجه و هشیاری که بعداً برای ما حاصل می‌شود و در مراتب سلوک و حرکت انسانی برای انسان حاصل می‌شود، باید خودمان را پاک کنیم. و این پاکی هم پاکی‌ای است که خداوند وعده داده است؛ این که هرچه ما آلودگی داشته باشیم، حتی این که افراط کرده باشیم، حتی اگر در عمل نادرست اسراف کرده باشیم: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر: ۵۳)

همه چیز را تمیز می کند.

اما احصان، در آن حالتی که برای حضرت مریم(س) رخ داده، از سوی برخی چنین معنا شده است که اساساً این پاکی از طریق خودداری حتی از ازدواج تحقق می یابد. یعنی اگر این معنا را در نظر بگیریم، نتیجه اش آن است که انسان در اموری که امکان آلودگی در آن ها وجود دارد، اعم از حلال و حرام، همه را با هم ترک کند. نمونه ی آن در مسئله ی ازدواج این است که حضرت مریم(س) اساساً ازدواج نکرده و در اینجا غریزه ی جنسی و شهوانی به طور کلی مهار شده است. اینجا این پرسش برای ما مطرح می شود که آیا معنایش این است که انسان در مواجهه با غرایز انسانی باید همه چیز، حتی امور حلال را نیز کنار بگذارد؟ چنین معنایی مقصود نیست؛ چنان که اهل بیت(ع) ازدواج می کردند و پیامبر(ص) نیز فرموده اند: «النکاح سنتی». این قاعده در مورد دیگر غرایز نیز جاری است؛ مانند خوراک، شهوات و امور مشابه. مقصود آن نیست که انسان ناگزیر باشد به طور کلی از غرایز خود دست بکشد، بلکه غرایز انسانی بخشی از زندگی متعادل انسان را تشکیل می دهند. اسلام دین تعادل است، برخلاف ادیان قبلی که از این جهت به کمال دیانت اسلامی نرسیده بودند. بعداً که اسلام دین اکمل و اتم بود و دینی بود که همه چیز در آن به مرحله ی تعادل می رسد، دستوری که برای غرایز انسانی دارد این است که این غرایز در روال طبیعی و عادی امکان دارد که انسان به سمتشان برود؛ اما توجه باید داشته باشیم که در بعضی از موارد، انسان مجبور است که حلال و حرام را یک جا با هم کنار بگذارد. آن هم در جایی است که مشکلات و حوادث و فشار بیرونی فراتر از ظرف انسان است و انسان نمی تواند با حرکت به سمت این غرائز و توجه به آن ها، مرزی بکشد و مراقبه ی خودش را به صورت کامل و تمام برقرار کند.

در اینجا باید خط قرمز بکشد و از آن خط قرمز عبور نکند. یعنی گاهی پاک دامنی انسان منوط به یک احصان شدید است، به معنای خودداری انسان از همه چیز است. و برای همه ی ما مواردی از این دست پیش می آید؛ همان گونه که حضرت مریم(س) در این مرحله قرار داشت و پاک دامنی او منوط به خودداری از هر نوع توجه به غریزه ی جنسی بود. البته معنایش این نیست که مرتبه ی معنوی و روحی او پایین بوده؛ این را ما نمی دانیم. اما می دانیم که برای او این گونه تقدیر شده بود. و برخلاف اهل بیت(ع) که می دانیم حتماً در مرتبه ای بودند که با وجود ازدواج و رعایت همه ی شرایط ظاهری زندگی، پاک دامنی در اوج خود قرار داشت و پلیدی از آنان برداشته شده بود. این وضعیتی است که در زندگی عادی ما نیز در جاهای مختلف وجود دارد. به طور طبیعی، زندگی ما باید زندگی متعارفی باشد و برای غرائزمان

- از خوراک و امور دیگر، و هر آنچه نیاز وجودی ما، نیاز بدن، روح و روان ماست، حتی نیازهایی مانند تفریح - از ابتدا فکری نکنیم، تعادلی ایجاد کنیم، آن‌ها را بشناسیم و در حد معقول، امکان اقناع و ارضاء فراهم کنیم.

اما در کنار این، باید توجه داشته باشیم که در برخی موارد نیازمند خودداری کامل و تمام‌عیار هستیم؛ نیازمند احتیاط، محافظه‌کاری و پیش‌رفتن با مراقبت هستیم. چرا که در بسیاری از موارد، به‌ویژه در این دنیای جدید و در آخرالزمانی که به آن نزدیک هستیم، امکان این که انسان بتواند مرز درستی میان حلال و حرام ترسیم کند وجود ندارد؛ مرزی میان جایی که می‌تواند و باید مراقبه کند و جایی که اساساً امکان مراقبه در آن نیست؛ مرزی میان آنچه به روح انسان آسیب می‌زند و آنچه نمی‌زند. در بسیاری از موارد، امکان ترسیم و رعایت این مرزها اساساً وجود ندارد.

در وهله‌ی نخست، در خیلی از موارد انسان امکان رعایت ندارد. کسی که ساعت‌های طولانی خود را در فضای مجازی رها می‌کند، مانند کسی است که خود را در محیطی سیال و روان رها کرده است؛ در چنین فضایی، کشیدن مرز بسیار دشوار است. به همین دلیل، افرادی که این‌گونه در فضای مجازی غوطه‌ور می‌شوند، در بسیاری از مواقع گرفتار می‌شوند. بنابراین، در درجه‌ی اول، در بسیاری از موارد، مرزی که خود انسان هم می‌داند با ورود به آن، محیط آن چنان ساری و جاری است که امکان مراقبه در آن وجود ندارد.

و از این مهم‌تر، در بسیاری از مواقع حتی اگر فرد قدرت خودداری و مراقبه داشته باشد، اساساً امکان تشخیص مرز را ندارد. انسان وقتی وارد برخی فضاهای سیاسی می‌شود، میان صحیح و سقیم، میان حق و باطل، میان مقصر و غیرمقصر، واقعاً نمی‌تواند مرزی روشن ترسیم کند. در اینجا باید خودداری کند. روایاتی که دستور می‌دهند از شبهات دوری کنید تا دچار سقوط در هلاکات نشوید، ناظر به همین معناست. در نهایت، اگر پاک‌دامنی نباشد، آن «نَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا» نیز محقق نخواهد شد. لازم است انسان پاک‌دامنی را در اولویت نخست زندگی خود قرار دهد؛ این که به کسی تهمت نزنند، ناحق نشود، در مسیری که می‌رود چشمش به ناپاکی آلوده نشود، ذهنش به هر سو کشیده نشود، و اصولاً آلودگی وارد زندگی‌اش نگردد.

در بسیاری از موارد، آنچه انسان را در این آلودگی‌ها گرفتار می‌کند، لغویات و امور بی‌حاصل است. لغویات یعنی چیزهایی که هیچ منفعتی برای انسان ندارد؛ نه برای دنیایش و نه برای آخرتش. اصولاً در این دنیای جدید لغویات بسیار است و بخش عمده‌ای از زندگی ما در لغویات است. هر چیزی که ثمره‌ای داشته باشد، لغو نیست. انسان نیاز به تفریح دارد، نیاز به گفت‌وگو با دوستان دارد، نیاز به جلساتی دارد که گاهی از قالب‌های رسمی و فضای جدی خارج شود؛ این‌ها لغو نیست. اما اگر این امور از حد نیاز فراتر برود، به لغویات تبدیل می‌شود.

حضور در فضای مجازی بدون برنامه، بدون حساب و بدون زمان‌بندی دقیق، لغویات است.

انسان دو نوع وقت دارد

وقت زنده که انسان سر حال است و وقت مرده. کاری که می‌توان آن را در وقت مرده انجام داد، اگر وقت زنده را اشغال کند و امور ضروریِ مربوط به وقت زنده باقی بماند، این لغویات است.

همه‌ی این مطالب ذیل این معنا قرار می‌گیرد که «وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ». این نحوه‌ی توجه به آیات، اگر انسان در زندگی خود به‌سوی آیات قرآن حرکت کند و قرائت قرآن برایش به منزله‌ی برنامه‌ریزی، نیت اصلاح و نیت حرکت روحی باشد، یعنی بخواهد زندگی‌اش را احیاء کند و از آیات قرآن درس بگیرد، آن‌گاه قرآن برای او معلم می‌شود؛ معلمی که از طریق آن می‌تواند دگرگون شود.

مانند کسی که امتحانی حساس و سرنوشت‌ساز پیشِ رو دارد و نزد استادی می‌رود که می‌داند آموزش‌های او تعیین‌کننده است؛ ذهنش آماده‌ی دریافت تعلیم است، هر جمله را با دقت گوش می‌دهد، حفظ می‌کند، یادداشت برمی‌دارد و به کار می‌گیرد تا از طریق آن آموزش‌ها به نتیجه برسد. وقتی انسان با معلمان الهی این‌گونه مواجه شود، می‌تواند از قرآن مطالبی را درک کند که در حالت عادی متوجه آن‌ها نمی‌شود. در آن صورت، قرآن برای او معنا، تعلیم، فایده و ثمره خواهد داشت.